



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱/۱۹

م، نعیم بارز

داکتر عبدالله، عبدالله بحران دیگری خلق کرده است!

در پی بن بست که در اثر تشکیل «حکومت وحدت ملی» به وجود آمده و بیش از یک سال بدینسو از هر نگاه حرکت جامعه را متوقف ساخته است، سر انجام آقای نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات روز ۲۰۱۶/۱/۱۹ از طریق تلویزیون طلوع تاریخ ۲۴میزان ۱۳۹۵ را برای برگزاری انتخابات نمایندگان ولسی جرگه و شورا های محلی اعلام داشت، اما همزمان از سوی جناح داکتر عبدالله رد شد.

دو دستگی که بنابر تشکیل «حکومت وحدت ملی» و تقسیم قدرت میان هر یک رئیس جمهور و رئیس اجرایی پنجاه، پنجاه در صد تعیین شده است، جناح داکتر عبدالله مبتنی بر این استدلال که در دور اخیر انتخابات ریاست جمهوری نتیجه کار کمیسیون انتخابات جنجال بر انگیز بوده، ایجاب میکرد تا در سیستم کاری نهاد مذکور یک سلسله تغییرات صورت می گرفت که گرفت و همچنان لازم دیده شد که بجای رئیس و کمشنر های کمیسیون مذکور یک تعداد افراد دیگری جاگزین شوند. که این تجویز ظاهراً طی چند ماه بحث و جدال بین رئیس جمهور و رئیس اجراییه بعمل آمد و موضوع از طریق ریاست جمهوری جهت شکل قانونی گرفتن بخود به ولسی جرگه فرستاده شد، مگر پس از بحث و بیان زیاد در آنجا به تصویب نرسید و رد شد.

با اینهم جناح داکتر عبدالله از رئیس و اعضای کمیسیون خواسته که از پست های شان کنار رفته و افراد جدید با تغییرات جدید پروسه انتخابات را دنبال نمایند که به زعم جناح وی در انتخابات ولسی جرگه که پیش رو است از جار و جنجال تقلب و اختلاس جلوگیری بعمل آید.

در برابر استدلال جناح داکتر عبدالله، خلاصه استدلال رئیس و سخنگوی کمیسیون انتخابات اینست که کمیسیون یک نهاد مستقل بوده و دوره قانونی کار آن شش سال تعیین شده لذا مسؤولت خود را تا شش سال دنبال خواهند نمود، حکومت و هیچ نهادی حق و صلاحیت ندارد که آنها را از وظایف شان برکنار نماید و آنها حاضر به استعفی هم نیستند.

گفته میشود اگر کسانی ادعا دارند که در انتخابات ریاست جمهوری تقلب و اختلاس صورت گرفته باید خارنوالی اطلاع داده می شد که افراد متخلف از سوی خارنوالی شناسایی و به محکمه سوق داده می شد و آنگاه محاکمه بروی اسناد و شواهد احکامی در زمینه صادر می نمود که فقط به موجب آن همه به آن گردن می نهادند و اگر ثابت می گردید که فرد و یا افرادی از نهاد کمیسیون دست در تقلب و اختلاس داشته مسلماً اینهم ثابت می شد که کاری به

خواست و نفع کاندید ها انجام گرفته و تردیدی نخواهد بود که دست کاندید های دور دوم ریاست جمهوری نیز بیشتر از هر کسی دیگر در آن دخیل شناخته می شد. زیرا منطقاً در کار تقلب هیچ کس خدایی خدمتگار بوده نمیتواند. بنا بران اگر این استدلال درست پنداشته شود پس نه تنها هیچ یک قانوناً مستحق مقام ریاست جمهوری و پست ریاست اجرائیه شناخته نخواهند شد بلکه می باید اصولاً مستحق مجازات شناخته شوند. به واقعیت اگر در انتخابات تا آنجا تقلب و اختلاس صورت گرفته باشد که صلاحیت مسئولین و پروسه انتخابات زیر سوال رفته باشد، ایجاب می کرد از همان آغاز قبل از تشکیل «حکومت وحدت ملی» افراد متخلف به خارنوالی و محاکمه سوق داده می شدند.

در آن صورت بالاتر دید حکومتی که بنام «حکومت وحدت ملی» به وجود آمده معلوم است که اصلاً قانونیت ندارد. اما رئیس جمهور و رئیس اجرائیه که خود را بر اساس روند انتخابات مستحق کرسی های که به آن تکیه زده اند میدانند باید به مردم پاسخ دهند که چگونه روند انتخابات و شخصیت های که آن روند را تا اخیر دنبال نموده اند، حقانیت شان را زیر سوال می برند ولی خود که بر طبق همان روند نادرست به کرسی های ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه تکیه رده غیر مسؤولانه قانون را نقض و ساختار نظام دیموکراتیک را که در مدت سیزده سال کمی سر و صورت گرفته بود به مرحله فرو پاشی رسانده اند.

اگر مردم افغانستان و جهان از این بی تفاوتی ها و خیانت به نقض مهمترین رکن ماده قانون اساسی در مورد انتخابات خاموشی اختیار کرده اند به این معنی نیست که هیچ کس هیچ چیزی نمیداند بلکه تا ایندم به خاطر آنکه کشور جنگ زده بیشتر از این در جنگ داخلی و بحران فرو نرود خاموشی اختیار کرده اند.

اما بالاخر صبر مردم هم اندازه ای دارد، ترس بیشتر از این است که این دولت غیر قانونی و این دعوی قدرت بین دو جناح به کجا خواهد انجامید؟ گفته میشود جنرال دوستم در حال قهر است، گفته میشود افرادی را که در پست های مهم معرفی میکند پذیرفته نمیشود و صلاحیت اش در پست معاونت اول ریاست جمهوری از سوی رئیس جمهوری نادیده گرفته میشود.

آقای انور الحق احدی از بی سرنوشتی خود و مردم کشور حوصله اش سر آمده و اخیراً تشکیل «جبهه متحد ملی» را اعلام نموده است.

خلاصه صدا های اعتراض مردم نسبت به فقر روز افزون، بیکاری و آوارگی با ریسک کشته شدن و غرق گردیدن در آب ها و رفتن به کام ماهی ها نه تنها اکثرأ مردم افغانستان را به عملکرد مرگبار راضی نموده بلکه حتی دولت و مردم المان نیز از فشار پناه جویان افغان به ستوه آمده اند.

پایان